



میرواحمدرضا مشرف پژوهشگر مسائل بین‌الملل

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا امروز در حالی برگزار می‌شود که نگرانی‌های زیادی در مورد چگونگی برگزاری، اعلام نتایج و پیامدهای آن بر آینده سیاسی این کشور وجود دارد. اکثر این نگرانی‌ها نیز از آنجا نشأت می‌گیرند که وضعیت داخلی آمریکا در یک دهه اخیر موجب فعال شدن بسیاری از گسل‌های سیاسی - اجتماعی این کشور شده است که برخی نیز پیشینه تاریخی دارند.

پوشه‌نامه‌ها در این مطلب کوشیده‌ایم به شکلی گذرا، برخی از مهم‌ترین گسل‌های فعال سیاسی - اجتماعی این کشور را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری مورد توجه قرار دهیم.

این ارزیابی مختصر ما از گسل‌های فعال بر سه محور متمرکز دارد؛ اول ظرفیت اثرگذاری این شکاف‌ها بر انتخابات، دوم بررسی وضعیت تریک اکاندیدها در مواجه با گسل‌های ذکرشده و در نهایت ظرفیت احتمالی بحران‌سازی این گسل‌ها در صورت بروز چالش‌های پس‌انتخاباتی در آمریکا.

■ ■ ■

■ **گسل سیاسی؛ دموکرات و جمهوری خواه**

از بسیاری جهات این گسل‌های ای توان عمده‌ترین و مهم‌ترین گسل در آمریکا ازبایی کرد. در واقع می‌توان گفت این گسل پوشش وسیعی رافراهم کرده‌تابسیاری از گسل‌های سیاسی و اجتماعی دیگر در زیر این پوشش قرار بگیرند و نمود عینی کمتری پیدا کنند، به‌طور مثال اینکه اکثریت جمهوری خواهان سفیدپوست، مسیحی معتقد، روستائین و با خصلت‌های مردسالارانه‌اند و در مقابل دموکرات‌ها از تعداد قابل ملاحظه‌ای غیرسفیدپوست، با اعتقادات لیبرال تاحدی شهزینن یا ساکنان حومه شهرها و با گرایش‌های حامی حقوق زنان شکل گرفته‌اند؛ می‌تواند به خوبی این پوشش گسترده گسل‌ها در بستر رقابت و حزب سیاسی رامورد تأیید قرار دهد. در مورد ظرفیت اثرگذاری این تقسیم‌بندی باید گفت بنابر وقوع برخی رخداد‌های داخلی، اکنون دو تحول عمده و تقریباً در جهت معکوس راشاهدیم؛ از یک سو با حضور ترامپ و در سایه فعال شدن برخی گسل‌های خطرناک اجتماعی، شاهد داریم تمسکی در مرزهای سیاسی، به ویژه از جانب بخش کوچکی از جمهوری خواهان میانه روییم که باعث چرخش مواضع آنها به سوی رقیب و در جهت همبستگی سیاسی شده است، اما در جهتی دیگر، اکثریت دونی هر دو حزب به سوی تندروی و پافشاری بر عقاید و آرمان‌های حزبی در حرکتند. این بدان معناست که تلاش‌های جناح‌های میانه‌رو در هر دو حزب برای تعدیل مواضع حوزه‌های مختلف با شکست مواجه می‌شود. این شرایط قطعاً به سود ترامپ است؛ چراکه او از این تندروی‌های درون حزبی در راستای بسیج توده مردم و انحراف آنها از نقطه ضعف‌های خودش بهره می‌برد. از سوی دیگر ایجاد فضای دوقطبی شدید، مانع از هم‌راه شدن مردم با رهبران میانه‌رو جمهوری خواه شده و تأثیر حمایت برخی از آنها در هرس بازگم این گسل، کند.

بااین حال این رادیکالیزه شدن هر دو حزب از ظرفیت بحران‌سازی عمیقی برخوردار است، چنان‌که اثرات آن می‌تواند در قالب‌های کوتاه‌مدت مانند عدم پذیرش شکست حزب در انتخابات یا بلندمدت همچون فعال شدن بسیاری از گسل‌های قدیمی سیاسی و اجتماعی و گذر دوطرف از مرحله رقابت به نفی و انکار یکدیگر بزرگ‌براید.

■ **گسل‌های اجتماعی، نژادی و قومیتی**

گسل‌های نژادی و قومیتی در آمریکا با تاریخ سیاسی این کشور عجین شده است، کم‌اینکه جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱) بر نغسغ برده‌داری رخ داد و در واقع ماهیتی نژادی و قومیتی داشت. انتخاب ایوامابه عنوان رئیس جمهور آمریکا این ذهنیت را وجود آورد که دوران اثرگذاری گسل‌های نژادی خاتمه یافته یا به حداقل خود رسیده است. بااین حال برخی تحقیقات در همان زمان نادرستی این گزاره را نشان می‌داد، چنان‌که در کتاب با عنوان «همه دروغ می‌گویند» و همچنین در جریان

سایه‌سنگین گسل‌های سیاسی-اجتماعی بر انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

بررسی‌های یک روزنامه‌نگار آمریکایی، این موضوع آشکار شد که حتی در انتخاب ایواما هم گسل‌های نژادی نقشی ایفا نگارند. افت ۱۰ درصدی رأی ایواما در میان دموکرات‌ها نسبت به انتخابات قبلی که یک سفیدپوست نامزد دموکرات‌ها بود، شاهدهی بر این مدعا ذکر شده است.

در این شرایط سر برآوردن فردی مانند ترامپ باعث شد جنبه‌های پنهان این گسل یک بار دیگر بزرگ‌پیدا کند و پس از قتل «جرج فلوید» و با جنبش «جان سیاهان مهم است» به نقطه اوج خود برسد. شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰، آن هم پس از مواضع سرکوب‌گرانه‌ا و دربرابر جنبش سیاه‌پوستان و حمله‌های نژادی و قومیتی اوبه کامالاهرس معاون منتخب‌بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، بازهم گمانه‌زنی‌هایی را در مورد تضعیف گسل نژادی یا حتی غیرفعال شدن آن به وجود آورد. اما با ازگشت قدرتمندانه ترامپ و اصرار او بر رفتارهای پیشین نژادی که واکنش دوباره بر ریشه‌های نژادی هرس و آشغال‌نامیدن مردم پرزوریکو در جریان یک کمپین تبلیغاتی به میزبانی وی بخشی از آن است، نادرست بودن این تحلیل‌ها آشکار کرد. در این شرایط به نظر می‌رسد در حال حاضر پیوستگی این گسل‌های یک موضوع مهم و اساسی انتخابات یعنی بحث حضور «مهاجران» در آمریکا، موقعیتی منحصربه‌فرد را برای ترامپ رقم زده است. بر این اساس درحالی‌که ترامپ از ناپنوری مهاجران و نارضایتی مردم از این جهت بهره می‌برد حتی از آن به عنوان پوششی برای عقاید و دیدگاه‌های نژاد پرستانه خود استفاده می‌کند، کامالاهرس به عنوان یک رنگین‌پوست و با پیشینه خانوادگی مهاجر، در تنگنای سختی گرفتار آمده است.

در نهایت باید گفت همان‌طور که گسل‌های نژادی و قومیتی در تاریخ آمریکا تأثیر شگرفی برجای گذاشته‌در حال حاضر هم از این ظرفیت‌های عمیقی برای بحران‌سازی در آمریکا برخوردار است. تصور نمی‌شود پیروزی هرس یا ترامپ در این رابطه تغییر چندانی ایجاد کند؛ چراکه در فضای دوقطبی شدید فعلی، شکست هریک از این دو روند سرخوردگی‌های نژادی یا قومیتی میان سفیدپوستان و رنگین‌پوستان آمریکا تشدید خواهد کرد، به‌ویژاوت آن جهت‌که با گسل‌های اجتماعی مهم دیگری چون فقیر و غنی نیز ارتباط و پیوندی نزدیک دارد.

■ **گسل جغرافیایی شمال و جنوب**

این گسل از یک سو مانند گسل سیاسی بسیاری از گسل‌های دیگر راز بر پوشش خود قرار داده و از سوی دیگر مانند گسل‌های نژادی و قومیتی، قدمتی به ریشه تاریخ آمریکا دارد.

اگر بخواهیم به تعدادی از مهم‌ترین گسل‌های زیرمجموعه این گسل عمده بپردازیم باید به شمال شهری و صنعتی در برابر جنوب روستایی و متکی بر کشاورزی، شمال لیبرال و سکولار در تقابل با جنوب مسیحی و به‌شدت مذهبی، در بُعد سیاسی شمال عمدتاً دموکرات و جنوب با اکثریت جمهوری خواه و سرانجام منطقه شمالی متنوع به لحاظ قومی و نژادی و در مقایسه با منطقه جنوبی عمدتاً سفیدپوست و متعصب اشاره کنیم.

در انتخابات اخیر هم مانند اغلب انتخابات‌های گذشته خطوط جغرافیایی روشنی در حمایت از دو نامزد جمهوری خواه ترسیم شده که در این میان نقش ایالت‌هایی که در مرزهای این تقسیم جغرافیایی قرار دارند، تعیین‌کننده خواهد بود. اما از جنبه بحران‌سازی باید بگوییم این گسل از ظرفیت فوق‌العاده‌ی برخوردار است. با اوج گرفتن شکاف‌ها و گسل‌های متعدد در آمریکا طی سال‌های اخیر و انطباق اکثر آنها با گسل جغرافیایی شمال و جنوب، یک بار دیگر ریزه‌ریزه‌ها در مورد جدایی طلبی و احتمال وقوع یک جنگ داخلی دیگر شدت گرفته است.

در این راستا نتایج یک‌نظرسنجی انجام‌گرفته‌از سوی مؤسسات «یوگاو» و «برایات‌لاین واج» در سه‌سال قبل نشان می‌دادد سوم جمهوری خواهان ایالت‌های جنوبی طرفدار جدایی از ایالات متحده، تشکیل یک اتحاد جدید مشترک با همسایگان جنوبی خودند. با توجه به تشدید دوقطبی‌های سیاسی و اجتماعی در سه سال گذشته، تصور می‌شود این افکار و اندیشه‌های جدایی طلبانه بیش‌از پیش تقویت شده‌باشند، چنان‌که اخباری از ایالات‌هایی چون تگزاس یا کالیفرنیا در این رابطه به‌گوش می‌رسد. این شرایط می‌تواند اِیام شروع جنگ‌های داخلی در آمریکا را یادآوری کند، روزهایی

مانند این روزهای آمریکا یک‌بار یک دوره طولانی سیستم دچار بی‌ثباتی و ناپایداری شد. قانون اساسی و نظم لیبرال زیر سؤال رفت و در نهایت با یک رویداد سیاسی یعنی انتخاب آبراهام لینکلن به فو پاشی و جنگ داخلی منتهی شد. آیا انتخاب ترامپ یا حتی هریس به ریاست جمهوری آمریکا می‌تواند منشأ چنین تحول دوباره‌ای شود؟ این سؤالی است که اکنون به‌شدت ذهن آمریکایی‌ها را به خود مشغول کرده و حتی زمینه تولید و اکران فیلمی با نام «جنگ داخلی» را فراهم ساخته که به گفته سازنده آن، شورش ۶ ژانویه ۲۰۲۱ از برخی جهات الهام‌بخش آن بوده است.

■ **گسل‌های مذهبی و اعتقادی**

ایالات متحده در ذات خود کشوری مذهبی محسوب می‌شود و دین و مذهب از ارزش‌هایی به‌شمار می‌رود که حتی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است. در این راستا به‌کارگیری نام خداوند در اسکناس دلار آمریکایی می‌تواند گواه خوبی بر این موضوع باشد. اما باور عمومی بر این است که در سال‌های اخیر نقش مذهب در آمریکا کم‌رنگ شده است.

نقد اندیشه‌های لیبرال - سکولار و رواج یافتن گرایش‌هایی ضدمذهبی همچون آنتیسم (خدا ناپاوری) یا همجنسگرایی در میان جوانان باعث شده حساسیت‌هایی در میان جوامع مذهبی آمریکا به‌وجود آید. جالب است بدانیم این حساسیت‌ها و نگرانی‌ها عمدتاً با گسل جغرافیایی شمال و جنوب همپوشانی دارد. در نواحی جنوبی و به‌طور خاص در منطقه جغرافیایی که به‌کمربند انجیلی (منطقه وسیعی شامل ۹ ایالت جنوبی آمریکا) شهرت یافته است، باورهای عمیقی شکل گرفته است که باید از روند دین زدایی در آمریکا جلوگیری کرده و آمریکا را ارزش‌های زمان تأسیس آن بازگرداند.

در عین حال آنها عقاید دیگری هم دارند که عدم جدایی دین از سیاست و لزوم رعایت احکام دین در همه شئونات سیاسی و اجتماعی جامعه بخشی مهمی از آن محسوب می‌شود. بر همین اساس در این ایالت‌ها اقداماتی همچون آموزش‌های اجباری دینی در مدارس یا لغو قوانین معاییر با مذهب انجام گرفته است. در چنین شرایطی ظهور فردی مانند ترامپ که خود را به شدت معتقد به باورهای مسیحی نشان داده، برای این مسیحیان فرصت آن رافراهم کرده است که یک‌بار دیگر خواسته‌های خود را در سطح ملی مطرح کنند.

دقیقاً به همین دلیل بود که ترامپ در دو دوره انتخاباتی در اغلب این ایالت‌ها پیروز از میدان خارج شد؛ اما در انتخابات اخیر ظاهر آنها مخالفت با «سقط جنین» در سراسر آمریکا را محور برنامه‌های و در واقع سنبل اقدامات خود قرار دادند؛ اما این تنها ابتدای راه است و ترامپ برگزیده خداوند است تا آنها را برای رسیدن به دیگر خواسته‌هایشان همراهی و کمک کند.

اینکه ترامپ واقعاً به چنین چیزهایی باور دارد یا اینکه از آنها به عنوان ابزارهای سیاسی استفاده می‌کند، چندان آشکار نیست، به‌خصوص این‌که به قول برخی شهروندان آمریکایی او اغلب اعمالی را که در مسیحیت گناه محسوب می‌شود، به‌شخصه انجام می‌دهد.

اکنون این نیروهای مذهبی قدرتمند به خدمت ترامپ درآمده‌اند؛ بنابراین اگر او پیروز شود باید در انتظار شکل‌گیری دولت و نظامی تقریباً آمیختی بر ناسیونالیسم مذهبی باشیم، اما اگر از انتخابات ناکام بیرون آمد، معلوم نیست که این افراد شکست انتخاباتی وی را بپذیرند. احتمالاً این مذهبون سرسخت واکنشی شبیه به نتایج انتخابات ۲۰۲۰ و حتی شدیدتر از آن نشان خواهند داد و این‌جاست که این گسل می‌تواند ظرفیت‌های مغفول بحران‌آفرینی خود را به نمایش بگذارد.

■ **گسل جنسیتی**

این گسل اجتماعی از زمانی که زنان حدود صدسال قبل و پس از چهارده تلاش توانستند در آمریکا حق رأی کسب کنند تا آن هنگام که هیلاری کلینتون رسماً به عنوان نخست‌زین نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شد، تقریباً در حالی غیرفعال به‌سر می‌برد. در حالی‌که نامزدی هیلاری کلینتون گسل جنسیتی را به مرحله فعالیت رساند، رقابت کنونی ترامپ و هریس آن را به نقطه اوج و حتی تعیین‌کننده سرنوشت

کل آمریکا ارتقا داده است. ترامپ در دوره اول رقابت با یک زن، انرژی چندانی مصرف نکرد؛ چراکه باور حضور یک رئیس جمهور زن در کاخ سفید هنوز شکل نگرفته بود. بنابراین علاوه بر مردان و زنان جمهوری خواه که ماهیت حزبی مردسالارانه‌شان آشکار بود، کلینتون در جذب رأی تعداد زیادی از مردان دموکرات یا آنها که رأی چرخشی داشتن نیز ناموفق نشان داد، اما در مورد هریس شرایط تاحدی متفاوت است؛ او دومین نامزد زن ریاست جمهوری محسوب می‌شود. سابقه چهارسال معاونت ریاست جمهوری را دارد و از همه مهم‌تر در برابر رقیبی قرار گرفته است که سابقه زن‌ستیزی اش می‌تواند در جلب رأی زنان به او مؤثر واقع شود. بااین وجود به نظر می‌رسد پیشینه تاریخی نامزدی یک زن، هریس را بر آن داشته تا در ایام انتخابات خود را از گسل اجتماعی جنسیتی دور نگاه دارد. حال آن‌که نقطه مقابل ترامپ می‌کوشد تا از این ظرفیت حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد.

اظهارات زن‌ستیزانه و بی‌پروای او که با تأکید بر عناصر مردسالارانه و حتی مردانه انجام می‌گیرد، دقیقاً در این راستا قابل توجیه است. روند تحولات انتخاباتی نیز نشان می‌دهد که او تاحدی در این امر موفق بوده، به‌خصوص در رابطه با مردان

سیاه‌پوستی که به دلیل همین نابرابری و عدم پذیرش ریاست جمهوری یک زن، به سمت‌وسوی ترامپ گرایش نشان داده و صدای اعتراض ایواما را هم بلند کردند. با این اوصاف و به‌رغم تأثیرگذاری شدید این گسل بر نتایج انتخابات اخیر آمریکا، انتظار نمی‌رود این گسل اجتماعی و تحولات پیرامونی آن ظرفیت بحرانی‌سازی اجتماعی در سطح کلان و ملی را داشته باشد. در یک جامعه مذهبی و در بافتی با پیشینه مردسالاری قوی، هنوز زنان آمریکا به درجه‌ای نرسیده‌اند که بخواهند به شکل علنی در تقابل با مردان قرار بگیرند. این رمی توان از نظرسنجی که اخیراً در آمریکا منتشرشده نیز درک کرد، درجایی‌که از تعدادی از زنان اعلام کرده‌اند که رأی آنها به هریس کاملاً مخفیانه و پنهان از چشم همسرانشان خواهد بود.

■ **گسل سنی - نسلی**

برای این گسل اجتماعی هم نمی‌توان سابقه تاریخی زیادی قائل شد. شاید هم اساساً به این دلیل که تا پیش از این به آن توجه چندانی نمی‌شد.

به نظر می‌رسد که گسل سنی - نسلی برای نخستین بار در انتخابات ۲۰۱۸ کنگره مورد توجه قرار گرفت. آمارهای منتشرشده در مورد فاصله ترجیحات حزبی جوانان و افراد مسن در این انتخابات برای هر دو حزب تکان دهنده بود؛ ۶۷ درصد رأی دهندگان زیر ۳۰ سال به دموکرات‌ها و ۳۲ درصد به جمهوری خواهان رأی داده بودند.

در برابر آن و در میان افراد بالای ۶۵ سال، رأی به جمهوری خواهان ۵۰ درصد و رأی دموکرات‌ها نیز ۴۸ درصد بود. از آن هنگام رأی و نظر جوانان اهمیتی بیشتری پیدا کرد چنان‌که هر دو حزب مجبور شدند به فرآیند پییری نمایندگان نشان در دو مجلس سنا و نمایندگان واکنش نشان داده و درصد جذب جوانان برآیند. این موضوع بدون شک با تحولات بافت جمعیتی آمریکا و تبدیل جوانان (هزاره‌ای‌ها) به بزرگ‌ترین گروه سنی این کشور ارتباط مستقیمی دارد.

اگرچه نتایج انتخابات ۲۰۱۸ کنگره برتری مطلق حزب دموکرات در جذب جوانان را نشان می‌دهد، اما نتایج انتخابات ۲۰۲۰ و شکست نزدیک ترامپ از بایدن از یک‌سو و رقابت تنگاتنگ کنونی میان ترامپ و هریس نشان می‌دهد معادلات دیگری نیز در این زمینه دخیل و تأثیرگذارند. در مورد انتخابات اخیر این تعبیر وجود دارد که جوانان پسر به دلایل متعدد، تمایل کمتری به رأی دادن به یک زن از خود نشان می‌دهند. در عین حال اقدامات و اعمال باغی‌گرایانه و جسورانه ترامپ هم می‌تواند برای برخی جوانان جذابیت داشته باشد؛ بنابراین دموکرات‌ها شاید نتوانند در این انتخابات روی شکاف نسلی و جلب نظر جوانان حساب زیادی باز کنند.

در کنار همه اینها، نقش بحران خاورمیانه و جنگ فلسطین را هم نباید نادیده گرفت، درجایی‌که نسل جوان آمریکا در مقایسه با نسل قدیمی احساس هم‌دردی بیشتری با فلسطین نشان داده و از جنایات اسرائیل احساس خشم و انزجار می‌کنند. با توجه به اینکه کاخ سفید تحت کنترل دموکرات‌ها در این زمینه عکس‌العمل چندانی نشان نداده، نارضایتی در میان جوانان آمریکایی و به‌خصوص جوانان مسلمان، کاملاً مشهود و احتمالاً اثرگذار است.



هستند. بنابراین می‌توانستیم تعامل رسمی و حقوقی با آن‌ها داشته باشیم. همچنین می‌توانستیم این شرکت‌ها را به پاسخگویی ملزم کنیم و مواردی را طبق قانون رعایت کنند.»

این کارشناس فضای مجازی همچنین در ادامه می‌گوید: «راه حل‌های دیگری نیز وجود دارد. مثلاً ایده‌ای وجود دارد که کشورهای اسلامی از این شبکه‌های اجتماعی درخواست کنند نوعی از محتوا را در محدوده این کشورها نمایش ندهند. این امکان وجود دارد و این راهکار می‌تواند از طریق ابزار دیپلماسی کشورهای اسلامی، در تعامل با این شرکت‌ها اجاره شود. من فکر می‌کنم راه حل‌ها برای کنترل محتوای غیراخلاقی باید به این سمت برود. اما فرض می‌گیریم که این راه‌حل‌ها هم وجود ندارد. واقعیت این است که دیگر فیلتر بودن یا نبودن، تفاوتی در امکان دسترسی به محتوای نامناسب ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل ادامه فیلترینگ تنها عوارض و هزینه‌های اجتماعی-سیاسی و امنیتی دارد.»

■ **ابزار نظارت بر محتوای نامناسب شبکه‌های اجتماعی گفت‌وگوهای سیاسی است**

آستارکی می‌گوید در اوایل دهه ۹۰ هم ماجرای فیلترینگ هوشمند مطرح شد. «در فیلترینگ هوشمند، مثلاً اینستاگرام تصاویر نامناسب را نمایش نمی‌دهد. بلافاصله پس از اینکه اینستاگرام، پروتکل‌های امن برای انتقال محتوای خود میان سرورها و موبایل‌های کاربران را فعال کرد و رمزگذاری شد، بلافاصله فیلترینگ هوشمند از کار افتاد. اکنون تمام این محتوا میان سرور و دستگاه‌های کاربران همه رمزگذاری شده است، بنابراین در این میان کسی نمی‌تواند در آن دخالت کند. چنین راه و مسیری به‌طور مسلم کار نخواهد کرد. پیش از این تلاش‌هایی برای آن شده است، از این‌رو راه درست این است که با آن شبکه‌ها تعامل شود و آن شبکه‌ها هم خود را به پاسخگویی ملزم کنند.» آنگونه که به نظر می‌رسد، از لحاظ فنی شاید نمی‌توان به‌طور متقن گفت فرآیندی برای نظارت بر محتوای شبکه‌های فیلترشده وجود دارد. کارشناسان فعال در حوزه فضای مجازی معتقدند تنها راهی که این امر را میسر می‌کند، دیپلماسی و ابزارهای سیاسی و همکاری با نمایندگی‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی فیلترشده است. اکنون باید دید راهکار دولت برای رفع فیلتر و هم‌زمان نظارت و یا فیلتر خفیف بر محتوای نامناسب چه خواهد بود؟

فرهنگ‌نخبگان

روزنامه‌نگاری



سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳



شماره ۳۷۷۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



چند روزی می‌شود که بخش‌هایی از گفت‌وگوی علی اردشیر لاریجانی با خبرنگاران، با زباتب زیادی داشته است. از بخش‌های مهم این گفت‌وگو، توضیح لاریجانی در رابطه با دلایل رد صلاحیت خود، حجاب و فیلترینگ بود. لاریجانی درباره ماجرای رفع فیلترینگ گفته «سیاست سخت است ولی هیچ‌وقت بدون راه‌حل نیست. به این مسائل باید به‌طور واقع‌بینانه نگریست. چند روز پیش جلسه‌ای با دبیر شورای عالی فضای مجازی داشتم و دیدم راه‌حل‌هایی را برای موضوع فیلترینگ پیدا کرده بود. مشکل عمده‌ای که متدینین در مورد فیلترینگ دارند این است که تصاویر مستهجن در فضای مجازی وجود دارد. ایشان گفت راه‌حل‌هایی وجود دارد. به‌رحال عقاید مختلفی وجود دارد. مهم این است که از فضای مجازی درست استفاده شود. کسی دنبال استفاده نادرست و این تصاویر در این فضا نیست. ایشان راه‌حل‌هایی داشت و گفت دولت تصمیم می‌گیرد که هم نگرانی متدینین رفع شود و هم فضا باز شود تا راحت بتوان کسب‌وکار را راه انداخت.»

ماجرای فیلترینگ و رفع فیلتر از همان روزهای ابتدایی دولت پزشکیان مطرح بود و بسیاری از کارشناسان منتظر برگزاری اولین جلسه شورای عالی فضای مجازی بودند. مسئله رفع فیلترینگ برای دولت پزشکیان به قدری جدی است که رئیس‌جمهور در اولین نشست خبری خود با خبرنگاران اعلام کرده بود «مسئله فیلترینگ در دستورکار است و آن را در شورای امنیت هم مطرح خواهیم کرد.»

■ ■ ■

■ **تأیید سخنان لاریجانی توسط دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور**

با توجه اظهارات و گفت‌وگوی اخیر لاریجانی، مجدداً برای اذهان عمومی این پرسش مطرح شد که دولت و شورای عالی فضای مجازی قرار است از طریق چه سازوکاری رفع فیلترینگ را میسر کند؟ «رسیدن به پاسخ این پرسش شاید حتی خود این پرسش به تنهایی وقتی اهمیت یافت که دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور روز گذشته در شبکه اجتماعی ایکس‌داب‌دوم‌های مؤثری در راستای رفع فیلترینگ برادشته شده است.

علی ربیعی در شبکه‌ای یکس نوشته: «به تازگی شاهد انتصاب سه استاندار عرب، کرد و بلوچ در استان‌های خوزستان، کردستان و سیستان و بلوچستان